

جلوه‌های بزرگ

نگاهی به

اقدامات فرهنگی و تمدنی

شاهرخ تیموری و ملکه گوهرشاد در هرات



مهدی شیرزاد

پادشاهان تیموری بر خلاف خود تیمور، فرمانروایی شاعر مشرب، فرهنگ‌دوست و مشتاق علم و معرفت و کمال بودند. طی حاکمیت آن‌ها تمدن و فرهنگ و هنر رونق فراوان یافت. در منابع از آنان به عنوان پادشاهانی دانشمند و نیز حامیان بزرگ دانشمندان و متفکران زمان‌شان یاد کرده‌اند؛ از جمله این پادشاهان می‌توان از شاهرخ نام برد.

چکیده

دوره تیموریان در هرات یکی از دوره‌های مهم در تاریخ تمدن اسلامی است. این دوره به صورت جدی‌اش از زمان سلطنت شاهرخ میرزای تیموری آغاز می‌شود و تا انتهای حاکمیت سلاطین این خاندان در خراسان با مرکزیت هرات دوام پیدا می‌کند. در چارچوب این پژوهش به اقدامات فرهنگی و تمدنی شاهرخ و ملکه گوهرشاد زن او پرداخته شده است. فرایند این تحقیق در پی رسیدن به پاسخ پرسش اساسی «نقش شاهرخ و گوهرشاد در ترقی تمدن هرات چیست؟» سازماندهی شده و باروش توصیفی تحلیلی این نقش در آثار مختلف و کهن تاریخی به بررسی گرفته شده است. در نهایت یافته‌های این تحقیق شامل نکات ذیل است:

شکوفایی فرهنگی هرات در دوره تیموریان؛ مدیون اراده قاطع و مدیریت سالم شاهان تیموری بوده است. این ترقی شامل ابعاد مختلف تمدن اسلامی مانند معماری، نقاشی، توسعه علمی به‌خصوص در رشته‌های ریاضی و ستاره‌شناسی است. هم‌چنان توجه لازم به آموزش نیروی انسانی در جهت تمدن‌سازی از جانب شاهان تیموری و به‌ویژه شاهرخ و ملکه گوهرشاد کلید توسعه فضای فرهنگی هرات دوران تیموری بوده است.

نگاه شاهان تیموری در ارتباط به ترقی و توسعه فرهنگی هرات در پارادایم دینی کارایی داشته است. این نوع نگاه در تمامی مظاهر فرهنگ و تمدن این دوره به وضوح قابل مشاهده است. نمونه مثال آن مصالای هرات، قبور بزرگان هرات، مسجد جامع و مدرسه گوهرشاد و... است که تا کنون نیز پایرجا هستند.

کلید واژه‌ها: تیموریان، مکتب هرات، شاهرخ، گوهرشاد، اقدامات فرهنگی، معماری هرات.



سکه نقره شاهرخ تیموری

شاهان تیموری هرات علم دوست و تمدن خواه بودند و برای ساختن تمدن اسلامی در هرات و خراسان از هیچ تلاشی چشم پوشی نمی کردند. هر کدام از این سلاطین وقتی به قدرت می رسیدند، وزرای کارآگاه و مدبری را برای خویش می گماشتند و از سرمایه های انسانی و ظرفیت هایی که در سرزمین های اسلامی بود، به نحوی شایسته استفاده می کردند.

تمهید

گرچه هرات در بیشتر دوره های تاریخی به عنوان یکی از مهم ترین شهرهای خراسان به شمار می رفته است؛ ولی دوران شکوفایی و اوج زیبایی آن مربوط به عصر تیموریان است. به ویژه دوره صدساله سلطنت شاهرخ، سلطان ابوسعید و سلطان حسین بایقرا، این شهر مرکز تجمع دانشمندان و هنرمندان و محل رونق و شکوفایی هنرهای چون کتاب سازی، مینیاتور، تذهیب و خوشنویسی بوده است. عظمت و اهمیت این شهر در سرزمین خراسان و جایگاه علمی، ادبی، سیاسی، اجتماعی آن آوازه جلال و جمال و ابهت آن را در سرتاسر جهان آن روزگار پراکنده بود. در عصر تیموریان دارالسلطان هرات به صورت دارالعلم بزرگی در آمده بود و از اطراف و اکناف جهان طالبان علوم صوری و معنوی به آن کانون فرهنگ و ادب روی آورده بودند و در هر گوشه شهر گنبد های عظیم و مساجد و مدارس و خانقاه ها سر به آسمان برافراشته و در زیر آن حلقه های درس و مجلس ادب و بحث و مناظره برپا بوده است (اسفزاری، مقدمه ج ۲، ۱۳۳۸: ۲۴).

پادشاهان و فرمانروایان تیموری بزرگ ترین مدارس، لنگرگاه ها، خانقاه ها، مساجد، دارالسیاده، دارالشفاه، کتابخانه ها در این شهر به وجود آورده بودند و در آن دوران هزاران دانشمند، سخنور، شاعر، نویسنده، هنرمند، نقاش، تذهیب کار و خطاط و موسیقی دان زبردست و ماهر در آن شهر کار می کردند. برای شاعران و نقاشان و دیگر هنرمندان بزرگ این کانون عظیم هنری در تاریخ فرهنگ و تمدن خراسان آن زمان به نام مکتب هرات خوانده شده است.

شاهان تیموری هرات علم دوست و تمدن خواه بودند و برای ساختن تمدن اسلامی در هرات و خراسان از هیچ تلاشی چشم پوشی نمی کردند. هر کدام از این سلاطین وقتی به قدرت می رسیدند، وزرای کارآگاه و مدبری را برای خویش می گماشتند و از سرمایه های انسانی و ظرفیت هایی که در سرزمین های اسلامی بودند، به نحوی شایسته استفاده می کردند. پادشاهان تیموری برخلاف خود تیمور، فرمانروایانی شاعر مشرب، فرهنگ دوست و مشتاق علم و معرفت و کمال بودند. طی حاکمیت آن ها تمدن و فرهنگ و هنر رونق فراوان یافتند. در منابع از آنان به عنوان پادشاهانی دانشمند و نیز حامیان بزرگ دانشمندان و متفکران زمان شان یاد کرده اند؛ از جمله این پادشاهان می توان از شاهرخ نام برد. او هرات را پایتخت خود قرار داد و آن جا را پرورشگاه هنر ساخت. هرات در زمان او به درجه عظمت و اعتبار رسید (همان: ۲۵).

وقتی تیمور بر این شهر استیلا یافت باروی آن را خراب کرد و بیشتر دانشمندان را به سمرقند کوچاند (خواندمیر، ج ۳، ۱۳۴۵: ۴۳۱)؛ ولی در دوره شاهرخ دوباره اعتبار و مرکزیت خود را باز یافت و در قرن نهم هجری (پانزدهم میلادی) از بزرگ ترین شهرهای خراسان به شمار می آمد. در مدت کوتاهی از نظر آبادی و ادب و ثروت و جمعیت چند برابر ایام سلطنت پادشاهان غور و سلاطین کرت گردید و مرکزیت علمی و هنری پیدا کرد. این همه بر اثر پشتیبانی شاهرخ و پسر هنرمندش بایسنقر پدید آمدند. هرات در این دوره وسعت یافت، ابنیه، کاخ ها، باغ ها و مساجد و مدارس متعددی در آن ساخته شده و مرکز فرهنگی آن روزگار شد. تعداد مدارس و مراکز تعلیمی در دوره تیموریان زیاد بودند (همان: ۵۵۵)؛ چه آنان که سلاطین و شاهزادگان بنا کرده بودند و چه آن هایی که دیگر امرا و بزرگان تیموری مانند مدرسه گوهرشاد بیگم، که او این مدرسه را در هرات ساخت و مدرسانی در آن گماشت.

سلاطین تیموری با رویکرد دینی در ساختن تمدن تلاش فراوان کردند و به خراسان زمین و به خصوص هرات عزت تازه بخشید. این شاهان دل سوز و متمدد از شرایط فرهنگی هرات باستان به خوبی استفاده کردند و تأثیرات آن را در کارکردهای خویش به نمایش گذاشتند. جو اجتماعی هرات نیز تقاضای چنین کارکرد را از این خاندان داشتند؛ چون اکثر امرای تیموری پرورده همین آب و هوا بودند. آنان نیز حق تربیت درست شان را در این سرزمین بر آورده و برای آباد کردن و مرفقی ساختن هرات کارهای اساسی را با جدیت شروع کردند. این روند پویا که منجر به کمال و شهرت هرات گردید، از زمان شاهرخ شروع شده و تا شاه آزاداندیش تیموری (سلطان حسین بایقرا) ادامه پیدا کرد.

شاهرخ، طلوع ترقی و پیشرفت

دوران زمامداری شاهرخ و فرزندان او در خراسان از حیث ترویج و گسترش هنر معماری، نقاشی، خط، کتابت و پرورش هنرمندان و معماران و خطاطان و شاعران و حمایت از نشر و حفظ آثار آنان قابل توجه است. صوفیان با شریعتمداران آشتی کردند، به گونه ای که بعضی از صوفیان عهده دار امور مردم شدند. دربارهای باشکوه متعلق به فرزندان و فرزند زادگان تیمور به دلیل علاقه آنان به معماری و خوشنویسی و شاعری بهترین پناهگاه شاعران و هنرمندان شده و حاکمان نیز خود به شعر و شاعری می پرداختند و سخنوری به عنوان یک رسانه فرهنگی مهم در مبادلات سیاسی بود (اسفزاری، مقدمه ج ۲، ۱۳۳۸: ۲۷). آزادی نسبی اندیشه در این دوره باعث گردید تا مذهب



شاهرخ با به وجود آوردن آرامش و فضای گرم و پرثمر فرهنگی در هرات توانست خیلی از دانشمندان و صاحبان حرفه را مجذوب هرات کند و با آمدن این نیروی بشری، هرات آشنا با خیلی از سبک‌ها و مکتب‌ها در زمینه‌های ادبیات، معماری، نقاشی، سفال‌گری و ده‌ها هنر دیگر شد.



شیعه در حوالی هرات و به خصوص در سبزوآر رشد اندک نماید و قیام‌های متعدد شیعی علیه ظلم و ستم، نشانه گسترش این مذهب بود که بعد از این دوره در حاکمیت صفویان به عنوان مذهب رسمی ایران به تثبیت رسید (جعفریان، ۱۳۸۷: ۲۷۲). در معماری این دوره، روح مذهبی حاکم، بیشتر در ساخت مساجد بزرگ و مدارس دینی هرات، مشهد و یزد تجلی پیدا کرد و مساجد بزرگ ساخته شد (اسفزاری، مقدمه ج ۲، ۱۳۳۸: ۲۸ و ۲۹). شاهرخ شروع کننده فرایندی است که نتیجه‌اش تبدیل شدن هرات به شهر نمونه فرهنگی در دنیای اسلام است. دوران حکومت تقریباً نیم قرن وی (۸۰۷-۸۵۰ هـ ق) طلوع خورشیدی است بر تمامی گوشه‌های تاریخ تمدن فراموش شده هرات. شاهرخ طبقه‌ای را پایه‌گذاری کرد که شاهان دیگر تیموری در تداوم آن حرکت کردند و به دستاوردهای بی‌نظیر رسیدند. او ابتدا به ایجاد و آوردن امنیت سراسری در قلمرو وسیع حکومتش کوشید. به تمامی امرای محلی که تحت حاکمیت او قرار داشت، فرصت داده شد در تلاش ترقی منطقه تحت

آمریتش باشند. تأمین امنیت یک اصل اساسی نزد شاهرخ به حساب می‌آمد.

در قدم دوم او برای جذب دانشمندان و اهل فکر و فن بسیار کوشاه بود و این طبقه مردمان نزد او خیلی احترام و اکرام می‌شد. او به خوبی پی به این مسأله برده بود که رسیدن به کمال ترقی جز از راه دانش نیست. به عالمان و صاحبان طریقت توجه می‌کرد و به آنان فرصت می‌داد تا در راه انتشار علم و آگاهی دینی تلاش کنند و به مردم روحیه دینی همراه با آگاهی علمی بدهند. هم‌چنین، مردم را به علم‌آموزی و ارتقای فرهنگی تشویق می‌کرد. زمینه‌های بحث و مناظره علمی را خود او در موارد مختلف در دربار سلطنتی و جاهای دیگر مهیا می‌کرد. مجالس شعر و شاعری را برگزار می‌کرد و شاعران را بسیار قدر می‌گذاشت. شاهرخ عاشقانه به ترقی و ساختن تمدن می‌کوشید و سنتی از خود به یادگار گذاشت که جانشینان او نیز از آن به خوبی پیروی کردند (همان، مقدمه ج ۲، ۱۳۳۸: ۳۳-۳۷).

شاهرخ در کنار تنظیم امور سیاسی و جهان‌داری قلمرو به‌دست آورده پدرش به پایه‌گذاری تمدن اسلامی در هر گوشه‌ای از سرزمین تحت حاکمیتش کوشید. او به ساختن مظاهر فرهنگی و تمدنی مُصرّانه پرداخت و شهر هرات را به یک کانون فرهنگی و هنری تبدیل کرد. او نه تنها بر هرات که مرکز حکومت او بود توجه داشت؛ بلکه فضا را طوری به وجود آورده بود که تمامی شهرها و مناطق که پرچم حاکمیت او در آن‌ها برافراشته است، از ساخت و سازهای تمدنی به دور نماند؛ مشهد، یزد، اصفهان از جمله شهرهایی است که یادگارهای فرهنگی دوره تیموریان و به‌خصوص شاهرخ در آن باقی است و به شهرت و اهمیت تاریخی این شهرها افزوده است. به هر حال شروع حاکمیت شاهرخ فرصت تازه‌ای بود برای احیای مجدد خراسان و به‌ویژه هرات که در تاریخ تمدن اسلامی از آن به قدر یاد می‌شود.

۱. اوضاع فرهنگی عصر شاهرخ

به دلیل آرام شدن اوضاع سیاسی و مدیریت قاطع شاهرخ میرزا، فرصتی دستگیر شد که در آن به رتق و فتق امور فرهنگی بپردازند، توسعه و پیشرفت فرهنگی در هرات، از دوره شاهرخ آغاز شد و در دوره‌های بعدی این توسعه با آزادی‌هایی نیز همراه شده است. شکوفایی فرهنگی سامانه‌ای را فراهم کرد تا آزاداندیشی دینی و مذهبی نیز جایی برای خود در امپراتوری تیموری، تاحدی اندک، باز کند و این تفکر نهادینه شود که علاوه بر مذهب حاکم، مذاهب دیگر نیز حق آزادی داشته باشند (سمرقندی، ج ۳، ۱۳۸۳: ۱۸ و ۱۹).

عصر شاهرخ در حقیقت گام نخست این پویایی فرهنگی بود و این جریان خلاق هر چه از عمرشان می‌گذشت، شکوفایی فرهنگی را در قبال داشت. سلاطین بعد از شاهرخ میرزا، نیز به صورت جدی از این جریان و اوضاع در حال بهبود فرهنگی حمایت می‌کردند. خوش‌بختانه بافت اجتماعی و فرهنگی هرات نیز پذیرای چنین یک فضایی بودند؛ زیرا فصول کهن تاریخ این سرزمین، روحیه تمدنی داشتند و از دکم‌اندیشی‌ها و تنگ‌نظری‌های افراطی به دور بودند. این‌ها در واقع عواملی بودند که عصر شاهرخ میرزا را به عنوان تولد دوباره تمدن و فرهنگ در هرات ثبت تاریخ کرد. چنانچه در کتاب «تاریخ ایران اسلامی» این دوره چنین وصف شده است:

«دوره درخشان تیموری، یکی عصر شاهرخ ۷۷۹-۸۵۰ هـ ق، و دیگر عصر سلطان حسین بایقرا است. دوره‌های یاد شده از هر جهت، به عنوان یکی از دوره‌های ممتاز در تاریخ تمدن اسلام به‌شمار می‌آید. یکی از این ویژگی‌های منحصر به فرد عصر تیموری که سرآغاز تحول هنری بعدی در جهان اسلام، در زمینه هنر خطاطی، تصویرسازی کتاب، جلدسازی و تذهیب است، توجه به هنر در قالب یک حرکت منظم و حساب شده و مدرسه‌ای است.» (جعفریان، ۱۳۷۷: ۳۰۰).

شاهرخ با به وجود آوردن آرامش و فضای گرم و پرثمر فرهنگی در هرات توانست خیلی از دانشمندان و صاحبان حرفه را مجذوب هرات کند و با آمدن این نیروی بشری، هرات آشنا با خیلی از سبک‌ها و مکتب‌ها در زمینه‌های ادبیات، معماری، نقاشی، سفال‌گری و ده‌ها هنر دیگر شد. از هر جای دنیای اسلام و حتی کشور چین که در آن هنگام از طرف خاندان فرهنگ پرور «مینگ» اداره می‌شد و امپراتوری عظیمی در شرق داشت، هنر پیشگان به هرات می‌آمدند و در ساختن تمدن و پویاسازی فرهنگ کار می‌کردند. این رابطه‌های تنگاتنگ و دوجانبه موجب امتزاج ارزش‌های

فرهنگی و تمدنی شدند که به ارزش تاریخی هرات کمک زیاد کرد. این وضع به توسعه فرهنگی و تجلی مظاهر تمدن در هرات منتهی شد و در نتیجه، هرات در تاریخ تمدن اسلام جایگاه ارزشمندی پیدا کرد. طوری که در کتاب «ظهیر الدین محمد بابر شاه» چنین نگاشته شده است:

«در این میان، شهر هرات به یکی از بزرگ‌ترین و باشکوه‌ترین شهرهای خراسان تبدیل شد. این بزرگی، هم به لحاظ معماری و وسعت جغرافیایی بود و هم به دلیل گرد آمدن شمار زیادی از هنرمندان و معماران. چنانچه ابیات ذیل نیز در وصف هرات آمده است.

در خراسان هرا بهشت برین

شد به عهد معین دولت و دین

شاهرخ پادشاه هفت اقلیم

خلد الله ملکه آمین» (حبیبی، ۱۳۵۱: ۲۹۰).

این سند تاریخی به خوبی نشان می‌دهد که در زمان شاهرخ اوضاع فرهنگی هرات چگونه بوده است و تا چه حد به کمال و توسعه انسانی و فرهنگی نزدیک شده بودند. شالوده‌های تمدن‌ساز را که شاهرخ در این ایام با متانت کامل پی‌ریزی کرده بود نیز، نشان دهنده فضای سالم فرهنگی و پختگی آن است. با توجه به نظریه جامعه‌شناسی، که توسعه فرهنگی را در هر جامعه حاصل دو عامل اساسی می‌داند؛ یکی بستر اجتماعی است که باید از راه کسب دانش صورت پذیرد؛ که سنت اجتماعی و فرهنگ را کد نبوده و در یک فرایند پویا به نفع جامعه در حال تغییر است. البته این جریان دایماً به نفع جوامع نبوده؛ بلکه بایستی روند تغییر را به درستی مدیریت کرد تا از کجی‌های احتمالی در امان بماند. دوم اراده مدیران سیاسی است. این اراده وقتی توأم با عملکردهای جدی از جانب این صاحبان قدرت (شاه) باشد، دیگر توسعه فرهنگی به زودی سراغ کوچه‌ها، خانه‌ها و شهرهای آن جامعه خواهد آمد (وثوقی، ۱۳۷۸: ۸۶).

با این تحلیل خوش‌بختانه در تاریخ تیموری و به خصوص عصر شاهرخ و بعد از او در جامعه هرات هر دو عامل به صورت موزون به کمک هم در راه توسعه فرهنگی و رسیدن به تمدن وجود داشت. هم اراده شاهرخ و دیگر سلاطین تیموری در این مسیر قرص و محکم بود و هم فضای فرهنگی اجتماعی مردم هرات سزاوار توسعه فرهنگی و ترقی تمدن در آن ناحیه بود؛ لذا هرات را مرکز تمدن و فرهنگ اسلامی ساختند و امروزه یکی از افتخارات تاریخ تمدن اسلام است.

۲. شاهرخ و معماری اسلامی

یکی از ویژگی‌های اساسی دوره تیموری که بر تمامی دستاوردهای تمدنی و فرهنگی آن تأثیر گذاشت، نقش بارز دین اسلام است و این مهم بدان ارزش خاص داده است. هنر اسلامی، فلسفه اسلامی، ادبیات و شعر با رنگ دینی، عمران اسلامی و معماری اسلامی همه و همه در عهد تیموری به مشاهده می‌رسند. طوری که اشاره شد، این تمدن که به صورت عملی و جدی‌شان از دوران شاهرخ شروع می‌شود، از همان ابتدا نقش دین اصل و اساس این تمدن و فرهنگ بوده است. شاهرخ در مدت نزدیک به نیم‌قرن حکومت کرد و آبادی‌های زیادی را به یادگار گذاشت که تاریخ تمدن اسلامی و تاریخ هرات بدان افتخار می‌کند. چون شاهرخ مرد دین‌مدار و مذهبی بود، معماری‌هایی که در دوره او ساخته شده‌اند، همه نشان دهنده این موضوع است که شاهرخ چه‌قدر به دین و ارزش‌های دینی ارجح می‌نهاد (اسفرزایی، مقدمه ج ۲،

۱۳۳۸: ۲۸ و ۲۹). هم‌چنان سلاطین بعد از او که در واقع جانشینان او هستند، نیز از همین خط پیروی می‌کردند و در روشنی ارزش‌های دین اسلام دست به تمدن‌سازی و پویاسازی فرهنگی زدند. در کنار این ویژگی اساسی که در تمامی ابعاد و مظاهر فرهنگ و تمدن عصر تیموری هرات دیده می‌شود، از خصوصیات فنی و کاربردی دیگری نیز برخوردار بوده است. طوری که در تاریخ افغانستان در دوره تیمور و تیموریان چنین اشاره شده است:

«در معماری این دوره می‌توان ویژگی‌ها و خصوصیات را چه در عمرانات عصر شاهرخ و چه در دوره سایر شاهزادگان تیمور چه در هرات و چه در سمرقند و بخارا مشاهده کرد:

۱. مراعات کامل تناظر در طرح افتاده در یک محور و حتی در هر دو

محور؛

۲. استعمال رنگ به وفرت تمام، خاصاً در کاشی‌کاری‌ها؛

۳. استعمال کاشی در سطح عالی و استفاده از کاشی معرق؛

۴. کشف رنگ‌های آبی و لاجوردی؛

۵. ابتکار ساختن استوانه طویل (ساقه) برای گنبد؛

۶. ساختن گنبد‌های دو پوش و سه پوش؛

۷. استفاده از سازه تمول (متک دامنی یا شکنج)؛

۸. استفاده از رسم الخط‌های گوناگون در معماری و کاشی‌کاری؛

۹. اعمار ایوان‌های مرتفع در آبدات این عهد؛

۱۰. استفاده از مناره‌های تزئینی در دو طرف ایوان‌ها؛

۱۱. استفاده از نقاشی در معماری» (حصاری، بی‌تا: ۳۱۵).

با این حال شاهرخ نه تنها رنسانس معماری و هنر را در هرات به وجود آورد؛ بلکه او ابداعات تازه‌ای داشت که در شکوفایی هر چه تمام‌تر صنعت معماری در آن عصر کمک شایان کرد. معماری به‌جا مانده و کم شناخته شده دوره شاهرخ که میراث گران‌بهایی از تاریخ معماری و عمرانی خراسان است، می‌توان در چند دسته بزرگ تقسیم‌بندی کرد که البته شرح و توصیف اکثر این معماری‌ها در این نوشته خواهد آمد و در این جا صرف به تقسیم آن در دسته‌های بزرگ اکتفا می‌کنیم:

۱. **بناهای رفاه عامه:** در این دسته آبدات، رباط‌ها، کاروان‌سراها، ذخایر آب، پل‌ها، حمام‌های عمومی، شفاخانه‌ها (بیمارستان) و بازارها را شامل می‌شود (اوکین، ۱۳۸۶: ۴۲، ۴۴، ۴۶، ۴۷ و ۴۹).

۲. **بناهای مذهبی و آموزشی:** این دسته شامل مساجد، مدارس، مقابر و زیارت می‌شود که در دوره شاهرخ و دیگر شاهان تیموری بعد از شاهرخ به لحاظ دینداری این سلاطین از جلال و شکوه خاص برخوردار بود. در قسمت ساخت این عمارت‌ها به صورت بزرگ و مجلل هر کدام از شاهان تیموری تلاش می‌کردند؛ زیرا این عمارت‌های مذهبی است که مظاهر دینی یک جامعه را نشان می‌دهند. در قدم دوم این‌که مساجد و عمارت‌های مذهبی دیگری، که در این دوره بسیار بزرگ ساخته می‌شده‌اند. یک نوع ضرورت و تقاضای مردمی نیز بوده‌اند؛ مثلاً مسجد جامع را که می‌ساختند باید به اندازه‌ای بزرگ در نظر می‌گرفتند که در یک وقت تمامی مردمان که در نزدیکی آن مسجد زندگی می‌کردند، باید به راحتی در آن، جا می‌شدند. در این قسمت مدرسه گهرشاد، مسجد جامع گهرشاد و گنبد آرامگاه گهرشاد نمونه‌های این دسته‌اند (همان: ۵۰، ۵۳ و ۵۷).

۲. بناهای سلطنتی و تفریح‌گاه‌ها: در این صنف بناهایی چون قصرها، باغ‌ها و محلات تفریحی شامل است؛ اما از عمارت‌های تفریحی و سلطنتی دوران شاه‌رخ و شاهان دیگر تیموری آثار زنده باقی نیست که از آن نام ببریم و یا در مورد آن تحلیل داشته باشیم؛ صرف ادعای تاریخ است که سلاطین تیموری دارای بارگاه‌ها و عمارت‌های سلطنتی بوده‌اند (همان: ۳۵-۳۹).

۳. حصارها و بناهای دفاعی و جنگی: تجربه جنگی که شاه‌رخ میرزا داشت و موقعیت جغرافیای شهر هرات که در زمین مسطح قرار دارد هر دو سبب گردید دیوارهای استحکامی و دفاعی را برای دفاع از هرات به وجود بیاورد. نظر به شرایط نظامی و سیاسی آن روز هرات نیز ضرورت مبرم بود تا هرات را با این حصارها و حفر خندق از تهاجمات نظامی دشمن در امان نگهدارد (همان: ۴۱).

«برج‌هایی که در قلعه‌ها و حصارها برای محافظین شهرها اعمار شده بود، عبارت بودند از: برج شاه‌کریم بیگ در محله قطیبه‌چاق، برج قرق‌لغ یا خواجه‌عبدالله انصاری، برج خاکستر یا خاک برسر و برج فیل‌خانه که بر سر این برج‌ها توپ‌های نصب شده بود. اطراف دیوار شهر، خندق به عرض چهارده متر کشیده شده بود.» (حصاری، بی تا: ۳۳۰).

قلعه‌ها و استحکامات نظامی که در دوره شاه‌رخ ساخته شدند، به درستی شهر هرات را از هجوم دشمن حفظ می‌کردند و به ساکنین شهر نوعی آرامش می‌داند تا در شهری که دارای برج‌های محافظتی است، با آسایش تمام به امور روزمره‌شان بپردازند.

نقش گوهرشاد در گسترش تمدن هرات

زمانی از شکوفایی تمدن در هرات صحبت به میان می‌آید، مشکل است از کنار کارکرد ملکه شاه‌رخ (گوهرشاد بیگم) بی‌خبر بگذریم و نقش آن را در این گسترش فرهنگی در نظر نگیریم. او در واقع به عنوان مشاور و وزیر شاه‌رخ در کنار شوهرش نقش سازنده و ارزنده داشت. این زن نیکوکار، ثروت‌مند، ادب‌دوست، هنرپرور، باوقار، خردمند، با احتیاط و با سیاست، تمام هم و غمش توسعه تمدن و فرهنگ هرات بود. او مشوق خوب بود برای شوهرش در جهت جهان‌داری و پیشرفت قلمرو تحت حاکمیتش نه در راستایی حمله بر سرزمین‌های جدید و جدال‌های بی‌مورد در قبال آن‌ها. گوهرشاد خاتون همواره عاشق ادبیات، شعر و شاعری بود، وی شاعران را عزت زیاد قایل بود و به آن‌ها بذل‌های شاهانه می‌کرد. همین‌طور معماران، هنرمندان، اهل فن، نقاشان، نویسندگان و همه آنانی که در راه ترقی هرات می‌توانستند کاری کنند، مورد حمایت این خانم متمدن قرار می‌گرفتند. او برای همیشه به زبان فارسی حرف می‌زد و این زبان را در دربار سلطنتی به زبان رسمی تبدیل کرده بود (اسفزاری، مقدمه ج ۲، ۱۳۳۸: ۳۵).

تحت حمایت گوهرشاد، علاوه بر زبان فارسی، فرهنگ خراسانی نیز به عنصر اصلی در دربار تیموریان ارتقا یافت. او و همسرش سلطان شاه‌رخ تیموری، نوعی رنسانس فرهنگی، از طریق حمایت بی‌دریغ خود از هنر و جذب هنرمندان، معماران، فیلسوفان و شاعران به دربار خود به وجود آوردند. عبدالرحمن جامی یکی از مشهورترین هنرمندان بود که تحت حمایت ایشان قرار گرفت. گوهرشاد به تاریخ و ادبیات علاقه‌مند بود و مه‌ری هروی، شاعره نامدار قرن نهم، مصاحب و ندیمه او بود (حبیبی، ۱۳۵۴: ۷۶).

گوهرشاد سخت علاقه‌مند به توسعه فرهنگی هرات بود و رسیدن به این

آرمان را در دانش‌پروری و علم‌آموزی می‌دانست. وی مدارس زیادی را ساخت و در پویایی آن از هیچ سعی فروگذار نکرد. گوهرشاد بیگم مردم را به این کانون‌ها فرا می‌خواند و در زمان او از اهل علم استقبال فراوان می‌شد. با علم‌آموزان رفتار خوب صورت می‌گرفت و به علم آنان ارج قائل بود. حمایت از مدرّسان و معلمان اولویت کاری دوره شاه‌رخ و گوهرشاد را تشکیل می‌داد؛ لذا علم در این عصر از جایگاه والایی برخوردار بود. این احترام به علم و دانش از جانب این ملکه و شوهرش توانست در عرض کمتر از نیم‌قرن رنسانس تمدن را در هرات به وجود بیاورد. همین‌طور در سایر عرصه‌ها نیز گوهرشاد یکی از بنیان و حمایت‌کنندگان اصلی جریان‌های ترقی طلب در هرات بود. او روحیه پشتیبانی از توسعه فرهنگی و رسیدن به آبادی خراسان و تجربه کردن کمال تمدن را در میان تمامی امیران و حکمرانان شوهرش به وجود آورده بود. شاه‌رخ در حقیقت تحت تأثیر اندیشه مترقی و متمدن زنش قرار داشت و هر وقت که او راستی و غفلت فرا می‌گرفت، این گوهرشاد بود که وی را دوباره در این راه نیرو می‌بخشید و اراده‌اش را قوی‌تر از پیش می‌ساخت. گوهرشاد یگانه زن آن روزگار هرات است که چنین نقش مؤثر را در گسترش و ارتقای تمدن در هرات به صورت خاص و در تمامی قلمرو امپراتوری تیموری به صورت عام دارا بوده است.

۱. گوهرشاد و معماری‌های ماندگار

گوهرشاد به معماری علاقه شدیدی داشت و در کنار سلطان شاه‌رخ شوهرش یادگارهای گران‌بهایی از معماری دوران‌ش را به جا گذاشته‌اند. این زن عمران‌خواه، به مظاهر تمدن اسلامی در هرات و خراسان توجه اساسی داشته است و آن را در عمارت‌ها و بناهایی عظیم و ماندگاری به دل جغرافیای این سرزمین به یادگار گذاشته است و امروزه یکی از افتخارات جهان اسلام به شمار می‌آید (خواندمیر، ۱۳۴۵: ۱۶-۱۷).

از آثار و بناهای خیره‌ای که توسط گوهرشاد خاتون بنا شد، مسجد جامع، مدرسه و خانقاه شهر هرات و مسجد جامع مشهد در ایران، بیش از همه اهمیت دارند که در هر دو شهر به نام آن بانوی نیکنام به «مسجد گوهرشاد» موسوم و مشهورند و از شاهکارهای هنر معماری و کاشی‌کاری قرن نهم هجری به شمار می‌روند. هم‌چنین او آثار ارزنده‌ای در حرم امام رضا و اطراف آن پدید آورد که از جمله دورواق «دارالحفاظ» و «دارالسیاده» را بنا کرد. معمار این دورواق و دو مسجد در هرات و مشهد، قوام‌الدین شیرازی بود (اوکین، ۱۳۸۶: ۲۳۷، ۳۱۳ و ۳۱۴).

«مسجد جامع گوهرشاد در شمال شرق مدرسه گوهرشاد واقع و از حیث ساختمان شبیه مدرسه موصوف بوده با این تفاوت که مدرسه دارای چهار منار و مسجد جامع دارای دو منار، که به طرف راست و چپ هر دو شبستان‌ها ساخته شده بود. امر آبادی مسجد جامع گوهرشاد که ساختمان نهایت زیبا و مقبول داشت بعد از اعمار مدرسه موصوف در سال ۸۰۹ هـ.ق، داده شده و کار آن آغاز شد.» (حصاری، بی تا: ۳۲۲).

مدرسه و خانقاه گوهرشاد در شهر هرات یکی دیگر از بناهایی است که به امر گوهرشاد بیگم و در زمان حیات وی ساخته شده است. این بنای عظیم و مهم تاریخی که در بعضی منابع به نام (بیت‌المغفره) آمده است و اکنون خرابه‌ای از آن در شهر هرات باقی است، در میان مردم هرات به نام گنبد سبز مشهور است. اعمار این مدرسه به امر گوهرشاد شروع و در سال ۸۳۶ هـ.ق، در عهد شوهرش به اتمام رسید. آرامگاه برادر گوهرشاد امیر صوفی

ترخان، آرامگاه بایسنقر و همین‌طور آرامگاه شاهرخ و گوهرشاد در این مجموعه قرار دارند (اوکین، ۱۳۸۶: ۳۱۴).

«این مدرسه مجلل دارای چهار مناره بود که از چهار گوشه آن سر برافراشته بود، در قسمت غربی آن ایوان بلند جهت نماز خواندن طلاب ساخته بود، به طرف راست و چپ این ایوان در ایوانچه‌های خرد دیگر نیز وجود داشت. به طرف شمال و جنوب مدرسه اتاق‌های متعدد و در وسط اتاق‌ها صنف بزرگ برای تدریس و مطالب و موضوعاتی که طلبه‌ها می‌خواستند بحث کنند؛ درست شده بود. این اتاق‌ها دو طبقه بودند؛ در حصه وسط راهرو، سکویی مسدوسی شکل بود که از آن دو دروازه به طرف شرق و غرب و دو دروازه به طرف شمال و جنوب باز شده بودند. در بیرون دروازه شرقی ایوان بزرگی بود که درگاه مدرسه نامیده می‌شد. به طرف چپ و راست این ایوان دو ایوانچه خرد دیگر تحتانی و فوقانی وجود داشتند که از فاصله بسیار دور دیده می‌شدند. دروازه جنوبی آن به شبستان بزرگ یا مسجد زمستانی و دروازه شمالی آن به راهرو سراچه آرامگاه بایسنقر فرزند سوم شاهرخ باز می‌شد. بین صفا شمالی و گنبد سبز منظور مدرسه گوهرشاد آغه، حویلی (حیات) بزرگی بود که در آن برای متولیان و حافظان جای بود و باش درست شده بود.» (حصاری، بی‌تا: ۳۲۰ و ۳۲۱).

«تمام این منارها و عمارات زیبا و گلدسته‌ها و گنبدها، رواق‌های بلند و دیوارهای ضخیم آن از بیرون با کاشی‌های هفت‌رنگ منقش و به خط ثلث نهایت زیبا و آیات قرآنی مزین و داخل ایوان و شبستان طرح‌های به آب طلا و لاجورد در کمال مهارت نقاشی شده بود، در وسط حویلی (حیات) مدرسه حوض مربع شکلی که از آب جوی انجیل (نام محلی در نزدیکی شهر هرات) پر می‌شد وجود داشت.» (حبیبی، ۱۳۵۴: ۹۲).

از جمله بناهای ماندگاری که در عهد گوهرشاد ساخته شده است؛ یکی مسجد گوهرشاد در مشهد است. این بنا در کنار حرم مطهر امام رضا(ع) است که به امر این بانوی فرهیخته اعمار شده است. این مسجد همانند دیگر عمارت‌ها و بناهایی که در دوران وی ساخته شده است، زیبا و جذاب است و از هنرهای معمول و رایج آن عصر در ساخت آن کار گرفته شده است. کاشی‌کاری ظریف و منقش و مزین با آیات قرآنی از جمله کارهای تزیینی است که در این مسجد بزرگ به کار رفته و به زیبایی‌اش افزوده است. موقعیت جغرافیای مسجد گوهرشاد به نقل از برنارد اوکین در کتاب «معماری تیموری در خراسان» این‌گونه ذکر شده است:

«شرقی‌ها بر تربت مقدس و روضه منور داخل فیها و غربی‌ها به شارع عام و رباطی که بانی آن جناب مغفرت‌مآب آصف صفات خواجه نظام‌الملک ابن خواجه حسنعلی طوسی است و دکاکین جناب مرحوم، شمالی‌ها منتهی شود، به بازارچه که وقف مسجد جامعه و اراضی که معاً وقف مسجد مذکور است و جنوبی‌ها به اراضی وقف مذکور و شارع عام.» (اوکین، ۱۳۸۶: ۲۳۷).

همانند این چند بنایی که از آن به اختصار ذکری به میان آمد، بسیاری از نمونه‌های بدیع معماری دوره تیموری به خصوص شاهرخ و گوهرشاد در هرات و خراسان بزرگ هنوز باقی است و امروزه آثار معماری، مینیاتوری و کتب خطی، آثار خوشنویسی و دیگر هنرهای صنعتی به جا مانده از آن دوران، از ممتازترین آثار هنری در جهان اسلام محسوب می‌شوند. ماندگار بودن این بناها و عمارت‌ها در دل تاریخ و جغرافیا تضمین‌کننده یاد و خاطره بزرگان تاریخ سرزمین ما است که همواره و در درازای تاریخ نام‌شان به نیکی یاد می‌شوند. ملکه گوهرشاد تنها زنی است که با یافتن فرصت در آن عصر طلایی نام‌نیک و شخصیت عالی منشانه‌اش را در اوراق تاریخ تمدن اسلام ثبت و جاودانه کرد و این امر را به تمامی مردان فهماند که زن مسلمان می‌توانند در چارچوب ارزش‌های دینی و پارادایم فرهنگ شرقی همانند مردان، راست‌قامت و درست‌کردار خدمات ارزنده به بشریت تقدیم کند. کارکردهای این زن اسوه در تاریخ تمدن اسلامی، الگوی خوبی است برای تمامی زنان عالم و به‌ویژه زنان بایمان و تمدن‌خواه اسلامی.

۲. گوهرشاد و وضعیت زنان در عصر تیموریان هرات

گوهرشاد به عنوان زن اول امپراتوری شاهرخ هم‌چنان که در راستای توسعه فرهنگی و پیشرفت تمدن و بهبود اوضاع عمومی کارآیی مؤثر داشته است نقش ارزنده در بهینه‌سازی وضعیت زنان



تحت حمایت گوهرشاد، علاوه بر زبان فارسی، فرهنگ خراسانی نیز به عنصر اصلی در دربار تیموریان ارتقا یافت. او و همسرش سلطان شاهرخ تیموری، نوعی رنسانس فرهنگی، از طریق حمایت بی‌دریغ خود از هنر و جذب هنرمندان، معماران، فیلسوفان و شاعران به دربار خود به‌وجود آوردند. عبدالرحمن جامی یکی از مشهورترین هنرمندان بود که تحت حمایت ایشان قرار گرفت.

این زن مدبر و علم دوست و فرهنگ نواز، در تمامی عرصه های ترقی و پیشرفت هرات در دوران شوهرش (شاهرخ میرزا) نقش اساسی داشته است. معماری های ماندگار در هرات و در مشهد یادگار کنش معطوف به هدف والای این زن را نشان می دهد.



مقبره گوهرشاد بیگم در هرات

نکرده؛ بلکه تشویق نیز کرده است؛ اما باز هم فضای عمومی ناشی از عواملی که در فوق اشاره شد، طوری بود که بایستی زنان از این عرصه به دور نگهداشته شوند. این جو، با تأسف، نیمی از جمعیت هرات و خراسان را به رکود اجباری روبه رو کرده بود و زنان محکوم به این حالت بودند که حتی گوهرشاد آغه که بانوی متمدن و فرهنگ پرور عصر خودش بود، نیز در مقابل چنین روند، کاری را از پیش برده نمی توانست. یا این که او نیز خودش تحت تأثیر چنین برداشت و اندیشه قرار گرفته بود، که زنان صرفاً برای خانه داری هستند و کار دیگری در جامعه نباید به آنان سپرده شود.

به هر حال، آنچه از منابع تاریخی به دست می آید این است که زن در عصر تیموری و به ویژه دوره شاهرخ و گوهرشاد از جایگاه آن چنانی برخوردار نبوده و برای زنان فرصت شکوفایی نبوده است و آن هم علتش در درون فرهنگ حاکم بر بستر جامعه بوده است. در کتاب «افغانستان در مسیر تاریخ»، نسبت به اوضاع اجتماعی هرات و زنان در آن زمان چنین اشاره شده است:

«البته در طی مراحل تحصیلی آزادی مباحثه و انتقاد و اظهار عقیده معدوم بود، کتب معین تدریس می شدند و به کلام قدما قناعت می گردید، گفتار مشایخ و تأویلات مذهبی در جای منطق و استدلال نشسته بود و از تعلیم و باسواد شدن زن جلوگیری می شد. جلال الدین دوانی دانشمند مشهور، همین دوره در کتاب معروف خود (اخلاق جلالی) راجع به زن زیر عنوان لُمعَة سوم در سیاست اهل می نوشت که شوهر، خودش را در نظر زن مهیب نماید تا از اطاعت اوامر و نواهی او تهاون نکند... اگر به محبت

نیز بازی می کرده است (بهره، ۱۳۹۱: ۵۲ و ۵۳)؛ اما جو عمومی و ناشی از سنت های کهن جامعه که متأسفانه همراه با ارزش های دینی خلط شده و ظاهراً جدایی ناپذیر شده بود، انگیزه علم دوستی گوهرشاد آغه را نیز در مورد زنان تحت فشار قرار می داد. او نمی توانست بر خلاف جریانی که در جامعه رایج بود، شنا کند؛ زیرا بر چسپ های انحرافی یقیناً دامن این بانوی فرهنگ پرور را می گرفت و تهمت بی دینی را به آن می زدند. روحیه جمعی به عنوان فرهنگ کلی در جامعه کهکشان هفت رنگی بود از رنگ ظاهر دین، عرف و سنت های به جا مانده از دوره های پیشین، خرافات و هنجارهای بی ارزش که گذشتن از آن به قیمت بی غیرتی شخص محاسبه می شد.

عصبیت های جنسی که در قالب و سیستم نظام فئودالی بر جامعه حاکمیت قاطع داشت، این اجازه را به زنان نمی داد که تحصیل و فعالیت های فرهنگی و اجتماعی کنند. زنان اکثراً باید در خانه می بودند و در کنار امور منزل به کار در مزرعه نیز می پرداختند. روح عمومی جامعه این ظرفیت را در خود نداشت که زنان به صورت عمومی تعلیم داده شوند و بعد به کارهای اجتماعی مصروف شوند (حصاری، بی تا: ۴۳۷).

اوضاع منجمد اجتماعی و برداشت های کورکورانه در ارتباط به زن که تاریخ بسیار طولانی در شرق و فرهنگ های شرقی دارد، جو فرهنگی هرات را نیز در آن عصر، در این زمینه تحت تأثیر خویش قرار داده بود. با آن که اکثریت قاطع ساکنان هرات مسلمان بودند و واضح است که دین اسلام در زمینه های تعلیم و فعالیت های فرهنگی و پیشرفت تمدن به زن و مرد توصیه های اساسی دارد و زنان را هیچ گاه از این نعمت الهی محروم

زن گرفتار شود از او مخفی نماید... در امور کلی با زن خود مشوره نکند و زن فرزندان و زن بیوه و زن متمول را نکاح ننمایند. این نوشته موقوف زن را در آن زمان نشان می‌دهد که چگونه در بند و قیود بود.» (غبار، جلد ۱، بی تا: ۲۹۰).

اما در مورد زنان شاهان تیموری آزادی وجود داشتند. خیلی از زنان تیموری می‌توانستند بدون جاه‌طلبی در امور سیاسی و عمارت‌سازی فعالیت کنند؛ به طور مثال می‌توان از مه پری خاتون، همسر علاءالدین کیکباد، سازنده پنج کاروان‌سرا و مجتمعی بزرگ در کیسری یاد کرد (اوکین، ۱۳۸۶: ۱۷۲).

نتیجه‌گیری

کاوش علمی تاریخی در برهه زمانی سلطنت تیموریان هرات روشن کننده بسیاری از مطالب و موضوعات اساسی مرتبط به تاریخ تمدن اسلام است. از جمله شکوفایی تمدن و فرهنگ هرات به‌ویژه در عرصه معماری در هرات عصر شاهرخ، پایه‌گذاری شده است و در امتداد زمان در دوره‌های بعدی سلاطین، دیگر این خاندان به صوب هر چه بیشتر ترقی به پیش رفته است. در این توسعه و شکوفایی فرهنگی نقش گوهرشاد بیگم، چنانچه در متن مقاله آمده، اساسی بوده است. با توجه به این داده‌های تاریخی این پژوهش، بدین نتیجه دست یافته است.

۱. شکوفایی فرهنگی هرات در دوره تیموریان مدیون اراده قاطع و مدیریت سالم شاهان تیموری بوده است. این ترقی شامل ابعاد مختلف تمدن اسلامی است مانند معماری، نقاشی، توسعه علمی به خصوص در رشته‌های ریاضی و ستاره‌شناسی.

۲. نگاه شاهان تیموری در ارتباط به ترقی و توسعه فرهنگی هرات در پارادایم دینی کارایی داشته است. این نوع نگاه در کلیت مظاهر فرهنگ و تمدن این دوره به‌وضوح قابل مشاهده است. نمونه مثال آن مصلاهای هرات، قبور بزرگان هرات، مسجد جامع و مدرسه گوهرشاد و... است که تاکنون نیز پابرجا است.

۳. توجه و ارج قابل شدن به بستر تمدن‌ساز و آموزش نیروی انسانی در جهت ارتقای فرهنگ و تمدن اسلامی نکته بارزی است که شاهان تیموری و در ابتدا شاهرخ بدان توجه کرده است.

۴. تأثیرگذاری شاهرخ از مدنیت‌پروری و مدیریت غیر رسمی گوهرشاد بیگم یکی از نکته‌هایی است که این تحقیق به عنوان نتیجه بدان رسیده است. این زن مدبر و علم‌دوست و فرهنگ‌نواز، در تمامی عرصه‌های ترقی و پیشرفت هرات در دوران شوهرش (شاهرخ میرزا) نقش اساسی داشته است. معماری‌های ماندگار در هرات و در مشهد یادگار کنش معطوف به هدف والای این زن را نشان می‌دهد.

منابع

- اسفزاری، معین‌الدین محمد زمجی، روژات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، مصحح: محمد کاظم امام، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۸.
- اعتمادی، سرور گویا، آبدات نفیسه هرات، کابل: نشرات انجمن جامی، مطبعة معارف، ۱۳۳۹.
- اوکین، برنارد، معماری تیموری در خراسان، ترجمه علی آخشینی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۶.
- بابر، محمد ظهیر الدین، بایرنامه، ترجمه عبدالرحیم خان، طبع بمبئی، ۱۳۸۰.
- بارتولد، الغ بیگ و زمان وی، ترجمه حسین احمدی‌پور، تهران: انتشارات و کتابفروشی چهر، ۱۳۱۲.
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، فتوح البلدان، ترجمه مقدمه و تحشیه، محمد توکل، بی‌جا، نشر نقره، ۱۳۶۷.
- بهره: ولی‌شاه، هرات نگین خراسان، انتشارات احراری، هرات، ج ۲، ۱۳۹۱.
- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی، تاریخ بیهقی، تصحیح: علی اکبر فیاض، تهران: علم، ۱۳۸۴.
- توی، احمد بن نصراله و قزوینی، آصف خان، تاریخ الفی (تاریخ هزار ساله اسلام)، جلد ۷ و ۸، مصحح: غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.
- توبین‌بی، آرنولد، تاریخ تمدن، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات مولی، ج ۲، ۱۳۶۶.
- جرجی، زیدان، تاریخ تمدن اسلامی، ترجمه و نگارش علی جواهر کلام، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶.
- جعفریان، رسول، تاریخ ایران اسلامی، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۷.
- جعفریان، رسول، اطلس شیعه، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۷.
- حافظ‌ابرو، عبدالله بن لطف‌الله، زبدة التواریخ، مصحح: سید کمال جوادی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
- حبیبی، عبدالحی، تاریخ افغانستان، کابل: انتشارات بیهقی، ۱۳۴۶.
- حبیبی، عبدالحی، هنر عهد تیموریان، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۴.
- حبیبی، عبدالحی، ظهیرالدین محمد بابر شاه، کابل: مؤسسه انتشارات کتاب بیهقی، ۱۳۵۱.
- حصاری، عبدالباقی، تاریخ افغانستان در دوره تیمور و تیموریان، کابل: انتشارات امیری، بی‌تا.
- خواندمیر، خلاصه‌الخبار، به اهتمام سرور اعتمادی، کابل: بی‌تا، ۱۳۴۵.
- خواندمیر، غیث‌الدین بن همام‌الدین، حبیب‌السیر، با مقدمه جلال‌الدین حمائی، تهران: انتشارات خیام، بی‌تا.
- سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق، مطلع سعدین و مجمع بحرین، مصحح: عبدالحسین نوبی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳.
- غبار، میر غلام‌محمد، افغانستان در مسیر تاریخ، کابل: انتشارات میوند، بی‌تا.
- فکوری، علی، مقدمه تاریخ‌نامه هرات، کابل: میوند، ۱۳۶۸.
- نرشخی، ابوبکر محمد بن حفص، تاریخ بخارا، ترجمه ابونصر احمد بن محمد قبادی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۱.
- نوبی، عبدالحسین، رجال کتاب حبیب‌السیر، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۹.
- هروی، سیف بن محمد سیفی، پیراسته تاریخ‌نامه هرات، به کوشش محمد آصف فکرت، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۱.
- وثوقی، منصور و نیک خلق، علی اکبر، مبانی جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۸.
- یزدی، شرف‌الدین علی، ظفرنامه تیمور، تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۶.

کاوش علمی تاریخی در برهه زمانی سلطنت تیموریان هرات روشن کننده بسیاری از مطالب و موضوعات اساسی مرتبط به تاریخ تمدن اسلام است. از جمله شکوفایی تمدن و فرهنگ هرات به‌ویژه در عرصه معماری در هرات عصر شاهرخ، پایه‌گذاری شده است و در امتداد زمان در دوره‌های بعدی سلاطین، دیگر این خاندان به صوب هر چه بیشتر ترقی به پیش رفته است. در این توسعه و شکوفایی فرهنگی نقش گوهرشاد بیگم، چنانچه در متن مقاله آمده، اساسی بوده است.